

فهرست

پیشگفتار	هفت
عشق از منظر روان‌شناسی / آرت آرون؛ ترجمه مسعود صادقی	۱
مراد از عشق چیست؟	۲
أنواع عشق	۳
تضاد های بین عشق و مقاومت مرتبط	۵
نظريه های عشق	۶
كتابنامه	۱۰
عشق از منظر جامعه شناسی / فلیکس براردو، اریکا اوئیز؛ ترجمه مریم هاشمیان	۱۱
تلقی های تاریخی از عشق	۱۲
تضاد های فرهنگی	۱۴
مجموعه عشق رمانیک	۱۷
رسانه های گروهی و عشق	۱۹
جنسیت و عشق	۲۱
كتابنامه	۲۶
عشق از منظر دین و فرهنگ / بروس لاتگ؛ ترجمه شیرین طالقانی	۲۹
كتابنامه	۶۲
عشق از منظر اخلاق / جین اونک؛ ترجمه مریم هاشمیان	۶۵
اروس	۶۶

۶۸	فیلیا
۷۳	آگاپه
۸۲	نیکوکاری فایده‌باورانه
۸۶	احترام کانتی
۹۳	کتابنامه
۹۷	عشق از منظر فلسفه / مارتا نوسیاوم؛ ترجمه شیما بحرینی
۹۸	عشق: عاطفه، رابطه، عمل
۱۰۰	أنواع عشق
۱۰۱	تنوع فرهنگی
۱۰۳	عشق و رشد انسان
۱۰۴	عشق و خیر بشر: تصعید عشق
۱۰۷	کتابنامه
۱۱۱	عشق از منظر تاریخ فلسفه / کوهن، نوشر، شُپف؛ ترجمه مالک حسینی
۱۱۱	الف. دوران باستان / کوهن، نوشر
۱۲۱	ب. کتاب مقدس، دوره آبای کلیسا و قرون وسطی / کوهن، نوشر
۱۲۳	پ. عصر جدید / کوهن، نوشر
۱۶۳	ت. نیمة دوم قرن نوزدهم و قرن بیستم / شُپف
۱۸۳	پی‌نوشت‌ها
۱۹۲	منابعی برای مطالعه
۱۹۷	نهايه

پیشگفتار

... اگر ما روزی از عشق راستین بهره یابیم و هر کس معشوق را که نیمة دیگر او و متعلق به اوست به دست آورد و به طبیعت نخستین خویش بازگردد همه آدمیان نیکیخت خواهد شد. ولی چون در حال کنونی بدان کمال نمی‌توانیم رسید لااقل باید در پی معشوق بگردیم که فکر و روحش همانند فکر و روح خود ما باشد و خدای عشق را که این نعمت به دست اوست بستاییم زیرا او یگانه خدایی است که در این راه به یاری ما می‌رسد و ما را به سوی آنکه خویش و نیمة دیگر ماست رهبری می‌کند ...^۱

این‌ها سخنانی است که فیلسوف بزرگ، افلاطون، بر زبان یکی از حاضران در مهمانی جاری می‌کند و محاوره جذاب خود را به پیش می‌برد — محاوره‌ای که در تاریخ تفکر انسان درباره موضوع عشق تأثیری بی‌بدیل داشته است.

البته افلاطون نه اولین کسی بود که به موضوع عشق می‌پرداخت و نه قرار بود آخرین باشد، و صدالبته تنها فیلسوفان هم نبوده‌اند که پا به این عرصه گذاشته‌اند؛ علاوه بر فیلسوفان، که درباره عشق مفهوم‌سازی کرده‌اند و سخنان مهمی گفته‌اند، سایر متفکران

۱. مهمانی، ۱۹۳، در دوره آثار افلاطون، ترجمه محمدحسن لطفی و رضا کاویانی، جلد اول، چاپ سوم، تهران، خوارزمی، ۱۳۸۰.

هشت عشق: چند رویکرد به یک مفهوم

و نیز دانشمندان هم در این باره بسیار گفته‌اند و نظریه‌پردازی کرده‌اند.

اما عشق پدیده‌ای نیست که فقط طالب اذهان مفهوم‌ساز و نظریه‌پرداز باشد؛ عشق ماجرایی است که آثارش در ملموس‌ترین بخش‌های حیات بشری آشکار است و با همهٔ پنهانی اش از پیدا‌ترین چیزها برای آدمی است. به‌راستی، آیا می‌شود «انسان»‌ی را یافت که زمانی درگیر این ماجرا نشده یا دست‌کم با این پدیده اندک آشنایی حاصل نکرده باشد؟

باری، کتاب حاضر دربارهٔ «عشق» است؛ گذشته از اهمیت زیاد این مفهوم و موضوعیت داشتن خود آن، نسبت مفهوم عشق با مفهوم دوستی اقتضا می‌کرد تا پس از کتاب دوستی: چند رویکرد به یک مفهوم کتابی هم دربارهٔ عشق تدوین شود تا ضمن ایضاح مفهوم عشق برخی مباحث طرح شده در دوستی را هم روشن‌تر کند و به معنایی مکمل آن کتاب باشد. مقاله‌های مندرج در کتاب پیش رو نوعاً مشابه مقاله‌های کتاب دوستی هستند و هر دو کتاب ساختاری کمابیش یکسان دارند، با این تفاوت که عشق مشتمل بر مقاله‌ای از منظر جامعه‌شناسی هم هست؛ همچنین، نحوه تدوین مقاله‌ها تغییر کرده و کتاب با مقاله‌های خوشخوان‌تر آغاز شده است.

مقاله‌های مندرج در کتاب حاضر را، مثل کتاب‌های حکمت: چند رویکرد به یک مفهوم و دوستی: چند رویکرد به یک مفهوم، می‌توان به تناسب ذوق و علاقه به هر ترتیبی خواند و حتی از خواندن برخی از آن‌ها صرف‌نظر کرد. این مقاله‌ها، که مشخصات کتاب‌شناختی مأخذشان جداجدا در جای خود خواهد آمد، مناسب با هدفی که از انتخاب و تدوین آن‌ها مدنظر بوده، نسبتاً تخصصی‌اند و

پیشگفتار نه

خواندن‌شان قدری تأمل و حوصله می‌طلبد. با این حال، گمان می‌کنم که خوانندگان ساده‌تر جو و روان‌تر پسند هم از این کتاب بی‌بهره نمانند.

و در پایان، سپاسگزارم از دوستان و همکاران گرامی‌ام که در ترجمه مقاله‌ها مرا همراهی کردند: آقای دکتر مسعود صادقی (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران) و خانم‌ها دکتر شیما بحرینی و دکتر شیرین طالقانی و دکتر مریم هاشمیان (که اگر کمک او نمی‌بود این کتاب پس از سال‌ها اکنون نیز به انجام نمی‌رسید). برای ویرایش نهایی کتاب هم از خانم زهرا عالی بسیار سپاسگزارم.

۳۰۷
اردیبهشت ۱۳۹۷

عشق از منظر روان‌شناسی^۱

عشق را، مثل عشق به اعضای خانواده، ظاهراً بیشتر انسان‌ها در طول زندگی‌شان تجربه می‌کنند. حتی عشق رمانتیک نیز کمابیش رایج است و بیشتر پژوهش‌ها و نظریه‌ها درباره عشق بر این نوع عشق متتمرکز بوده است. ارزشی که یک فرهنگ به عشق رمانتیک می‌دهد بسته به جهت‌گیری فردگرایانه یا جمع‌گرایانه آن فرهنگ متفاوت است. با این حال، مطالعات انسان‌شناسخانه نشان می‌دهد که شکلی از عشق رمانتیک تقریباً در همه فرهنگ‌های مورد بررسی قابل تشخیص است. همچنین یک مطالعه نظاممند فراملی که اخیراً در ژاپن و روسیه و ایالات متحده انجام یافته است نشان می‌دهد اکثر دانشجویان طبق گزارش خودشان در دوره‌ای «عاشق» بوده‌اند. سرانجام اینکه عشق رمانتیک ظاهراً خیلی زود شروع می‌شود. بنابر مطالعه‌ای که در مورد دانش‌آموزانی از قومیت‌های مختلف در هاوایی انجام شده است، میزان عشق پرشور و حرارت بین بچه‌های چهار و پنج ساله همان‌قدر بالاست که بین هجده‌ساله‌ها.

پژوهش نظاممند درباره عشق را در وهله اول روان‌شناسان اجتماعی در امریکای شمالی انجام دادند. این پژوهش‌ها که در اصل

1. Arthur Aron, "Love", in *Encyclopedia of Psychology*, editor in chief: Alan Kazdin, American Psychological Association, Oxford University Press, 2000.

۲ عشق: چند رویکرد به یک مفهوم

در دهه ۱۹۸۰ شروع شد بیشتر شامل عشق رمانیک بین ناهمجنس‌خواهان بود. پیشگام این پژوهش‌ها اثری مهم در روان‌شناسی اجتماعی بود که ابتدا در اوایل دهه ۱۹۶۰ منتشر شد و می‌توان آن را در چهار عنوان اصلی تنظیم کرد: (الف) مراد از عشق چیست؟، (ب) انواع عشق، (پ) تفاوت‌ها بین عشق و مفاهیم مرتبط، (ت) نظریه عشق. پژوهش‌های پراکنده‌ای نیز درباره عنوانین دیگر صورت گرفته است مثل ارتباط شخصیت و عشق، پدیدار عشق در حیوانات، و نقش عشق به عنوان عاطفه. سرانجام اینکه پژوهش‌های زیادی وجود دارد درباره رابطه بین جاذبه رمانیک و عاشق شدن که عموماً تحت عنوان جاذبه بررسی می‌شود.

مراد از عشق چیست؟

بِولی فر^۱، روان‌شناس اجتماعی کانادایی، از دانشجویان خواست تا هر آن ویژگی را که می‌توانند درباره عشق در ظرف سه دقیقه به تصور درآورند فهرست کنند. سپس ۶۸ ویژگی متمایز تشخیص داد که بیش از یک نفر آن‌ها را فهرست کرده بود. گروه دیگری از دانشجویان را نیز واداشت تا ارزیابی کنند که هر یک از آن ویژگی‌ها چه اندازه برای مفهوم عشق محوریت دارد. فر در سلسه پژوهش‌هایی که با استفاده از این شیوه انجام داد و پژوهش‌های دیگری که مستلزم به کارگیری حافظه و کنش‌های زبانی بود نشان داد که مفهوم عشق ساختار الگووار روشنی (a clear prototype structure) دارد. این بدین معناست که برخی ویژگی‌ها همواره محوری‌اند و بعضی دیگر همواره جنبی، و افراد از این الگو استفاده می‌کنند تا مشخص

1. Beverly Fehr, 1988.